

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۰/۱۱

پوهاند نصرالله ستانکزی

انتقام سرمایه برباد رفته



نصرالله ستانکزی

پاکستان طی سال های ۱۹۹۳ الی ۲۰۲۱، برای تامین منافع اش بر گروه طالبان افغانستان سرمایه گذاری وسیع و پر هزینه را به امید آن انجام داد تا از یکسو منافع ستراتیژیک اش از جمله ختم موضوع دیورند به نفع آن کشور، تامین نفوذ و منافع اش از طریق افغانستان در آسیای مرکزی و استقرار یک دولت دست نشانده و مطیع در افغانستان، روی همین دلیل هم بود که به عنوان نخستین دولت حکومت اول طالبان را به رسمیت شناخت.

از سوی دیگر پاکستان می خواست حکومت اول طالبان بر خلاف سیاست های حکومتات قبلی افغانستان در دشمنی با هند قرار داشته باشد، و این هدف را در اولویت قرار داد که تا حدی هم اسلام آباد توانست در این مامول موفق هم باشد، به گونه مثال طالبان در آن دوران به صراحت در داعیه کشمیر موضع پاکستان را تایید و حتی ابراز داشتند که در صورت نیاز به نفع پاکستان و بر ضد هند خواهند جنگید. و یا نمونه دیگری از نزدیکی طالبان با پاکستان در موضوع ربودن طیاره خط هوایی هند در دسامبر سال ۱۹۹۹ میلادی را می توان به عنوان مصداق این ادعا مطرح نمود، چنان که پس از آن که طیاره مذکور توسط ربایندگان پاکستانی در میدان هوایی کندهار نشست نمود، مقامات هندی به شمول وزیر خارجه آن وقت هند جهت مذاکره برای رهایی طیاره مذکور و سرنشینان آن به کندهار مرکز قدرت طالبان آمدند؛ که در نتیجه آن مطابق به خواست ربایندگان (که به یقین دستور و حمایت حکومت وقت پاکستان را با خود داشتند)، قضیه بعد از هشت روز مذاکره سه تن از رهبران جیش محمد که یک گروه خطرناک تروریستی پاکستانی در جنوب آسیا هریک مسعود اظهر، امر سعید شیخ و مشتاق احمد از زندان های هند آزاد و مطابق خواست ربایندگان به پاکستان منتقل، طیاره با ۱۹۱ سر نشین آن به شمول یک متوفی آزاد و جالب تر آن که هفت تن ربایندگان که خود را به طالبان تسلیم نموده بودند به طور سالم از طریق بندر سپین بولدک به پاکستان منتقل شدند، که این ربایندگان باید در نخست در افغانستان محاکمه می شدند، که چنین امری بنابر خواست دولت پاکستان صورت نرفت و از سوی هم تا امروز این ربایندگان توسط مقامات قضایی پاکستان نیز محاکمه نه گردیدند و جالب تر این که پاکستان در آن زمان به تمام پر رویی ادعا نمود که ربایندگان وارد قلمرو آن نه شده اند، گویا با وجود خدمت طالبان در این امر برای پاکستانی ها، چنین اظهارات تلویحا اشاره بر نگهداشت ربایندگان توسط طالبان بود. به هر صورت معامله دولت هند با ربایندگان به کمک طالبان و مطابق خواست پاکستان؛ ضربه ی محکمی بر حکومت آن زمان هند بود.

هم چنان این یک امر روشن است که پاکستان ، در طی دوران حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان یکی از اصلی ترین حامیان تحریک طالبان افغانستان بود ، که علاوه بر آن که مقامات ناتو در موارد مختلف از آن پرده برداشتند ، حکومت وقت افغانستان اسناد انکار ناپذیر در این خصوص ارائه داشته اند و اینک در حال حاضر (طی سه سال اخیر) مقامات نظامی و ملکی پاکستان از جمله خواجه اصف وزیر دفاع پاکستان به وضوح از این حمایت و همکاری پرده می بر دارند.

اما در دوره دوم حاکمیت طالبان ، بر عکس توقع مقامات پاکستان ، با گذشت هر روز مناسبات بر خلاف دوره اول اداره طالبان آشکارا به طرف بحران در حرکت است و اینک موضوع در حدی رسیده که پاکستان به بمبارد کابل خلاف همه موازین حقوق بین الملل می پردازد ، و آن هم در زمانی است که امیر خان متقی وزیر خارجه طالبان مصروف دیدار رسمی از دهلی نو است . و اقدام اخیر پاکستان در واقع عکس العمل واضح در مخالفت به نزدیک شدن کابل و دهلی پنداشته می شود ، گویا این که سرمایه گذاری اش بر طالبان به هدر رفته است. \ اما ؛ سوال در اینست که چرا طالبان در حاکمیت دوم شان دیگر بر پاکستان اعتماد ندارند ؟ : در پاسخ می توان به دلایل ذیل توجه نمود

نخست این که ؛ طالبان دیگر وارد مذاکره مستقیم با ایالات متحده به واسطت دولت قطر شدند، و دریافتند که اسلام آباد یگانه دریچه به سوی جهان نیست (که فعلا این دریچه در دوحه است) ؛ ثانيا ؛ طالبان باید این را دریافته باشند که پاکستان در کل دشمن افغانستان است ، جدا از آن که در کابل کی حاکم باشد ، و این تجربه زمانی به آنها ثابت شد ، که بعد از آن که قوای بین المللی به رهبری امریکا در سال ۲۰۰۱ جنگ را علیه امارت اول طالبان آغاز نمودند این پاکستان بود که برای قوای ناتو پایگاه ها داد و یک تعداد از رهبری طالبان را به امریکایی ها سپردند ، که سالیان متمادی را در زندان مخوف گوانتانامو سپری کردند ، و عده را هم برای کسب امتیاز از امریکایی کشتند و یا در شکنجه گاه های شان برای سالیان درازی نگهداری کردند ؛ و ثالثا ؛ طالبان این بار در یافتند که چرا روابط شان را باکشون های آسیای مرکزی ، همسایه و منطقه را از طریق اسلام آباد تنظیم کنند ، و دیگر به جای دشمنی راه دیپلماسی. و تامین روابط اقتصادی را در پیش گرفته اند ، که بهترین مثال آن روابط مستقیم طالبان با روسیه ، ایران ، کشور های آسیای مرکزی ، چین و اینک هند را می توان نامبرد . و ؛ بدین گونه پاکستان که قبل از به اقتدار رسیدن مجدد طالبان ؛ آن ها را لقمه قابل بلع میدانست ؛ دیگر در اختیار اش ، نیست ، بنا بهر وسیله که ممکن باشد در صدد انتقام از طالبان خواهد بود.